

Research Paper

A Historical Study and Performance Analysis of the United Nations Security Council in Imposing Economic Sanctions Against States

Hamed Golijani Moghadam¹ , Mehdi Sheikhmahmoudi², Hediyehsadat.seyyedi³

1-PhD in International Law, Lecturer, Department of Law, Tonkabon Branch, Islamic Azad University, Tonkabon, Iran.

2-Assistant Professor, Department of Law, Tonkabon Branch, Islamic Azad University, Tonkabon, Iran.

3-Graduated with a master's degree in educational management, Shafagh Institute of Higher Education, Tonekabon, Iran

Receive:

09 February 2025

Revise:

27 February 2025

Accept:

06 March 2025

Published online:

20 March 2025




Abstract

Economic sanctions are a coercive measure that leads to the severance of economic relations between countries. The United Nations Charter empowers the Security Council to impose economic sanctions to enforce decisions made under Chapter VII, which addresses threats to peace, breaches of peace, or acts of aggression. Article 41 of the Charter states that the Security Council may decide what measures not involving the use of armed force are to be employed to give effect to its decisions and may call upon the members of the United Nations to apply such measures. The primary objective of this study is to examine the historical background and performance of the United Nations Security Council in imposing economic sanctions against states. This research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of method. Data have been collected by referring to various sources and using note-taking tools, followed by a description and explanation of the subject. The findings of the study indicate that the primary goal of the sanctioning country in economic sanctions is to distort the economic relations of the targeted country by reducing its level of international trade. Economic sanctions are not exclusively imposed by the United Nations but are increasingly applied unilaterally by individual states. Sanctions can have significant economic effects, but their political success is limited, often causing unacceptable harm to innocent civilians in the targeted country. Moreover, at times, even the sanctioning country may suffer considerable losses.

Keywords:

Economic sanctions,
Security Council,
United Nations,
state, Charter.

Please cite this article as (APA): Golijani Moghadam,H, Sheikhmahmoudi,M,seyyedi,H.(2025). *A Historical Study and Performance Analysis of the United Nations Security Council in Imposing Economic Sanctions Against States*. Journal of Business law and economics, (1) 2, 233-250.

Sponsored by: Institute of Somamos Publications	10.22034/jble.2025.511210.1014	
Corresponding Author: Hamed Golijani Moghadam	https://orcid.org/0009-0009-2385-6614	
Email: Hgmoghadam@iau.ac.ir	This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License .	

مقاله پژوهشی

مطالعه تاریخی و عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد

در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه دولت‌ها

حامد گلیجانی مقدم^۱ ID، مهدی شیخ محمودی^۲، هدیه سادات سیدی^۳

۱- دکتری حقوق بین الملل مدرس گروه حقوق، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

۲- استادیار گروه حقوق، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

۳- دانش آموخته کارشناس ارشد حقوق خصوصی، مؤسسه آموزش عالی شفق، تنکابن، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱	چکیده
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹	تحریم اقتصادی اقدامی سلبی است که منجر به قطع روابط اقتصادی کشورها با یکدیگر می‌شود. منشور ملل متحد به شورای امنیت این امکان را می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی را به منظور اعمال تصمیمات اتخاذ شده در اجرای فصل هفتم، یعنی در صورت تهدید، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه، اتخاذ کند. در ماده ۴۱ منشور آمده است: شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که چه تدابیری مستلزم استفاده از نیروی مسلح نیست، برای عملی ساختن تصمیمات خود به کار گیرد و می‌تواند از اعضای سازمان ملل متحد بخواهد که چنین اقداماتی را اعمال کنند. هدف اصلی این پژوهش مطالعه تاریخی و عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه دولت‌ها است. روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است و از طریق مراجعه به منابع مختلف، با استفاده از ابزار فیش برداری، مطالب مرتبط جمع آوری و سپس به توصیف و تبیین موضوع پرداخته شده است. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در تحریم‌های اقتصادی، هدف کشور تحریم کننده تحریف روابط اقتصادی کشور تحریم شونده از طریق کاهش سطح تجارت بین‌المللی آن کشور می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی تنها در انحصار سازمان ملل نیستند، بلکه به صورت فزاینده ای توسط دولت‌ها به صورت یکجانبه نیز اعمال داده می‌شوند. تحریم‌ها می‌توانند اثرات اقتصادی قابل توجهی داشته باشند، اما موفقیت سیاسی آن‌ها محدود است و خسارات غیرقابل قبولی به مردم بی‌گناه کشور تحریم شده نیز وارد می‌کنند، و این در حالی است که گاهی اوقات، حتی کشور تحریم کننده نیز متحمل ضررهای قابل توجهی می‌گردد.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶	
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۳۰	
کلید واژه‌ها:	
تحریم اقتصادی، شورای امنیت، سازمان ملل متحد، دولت، منشور.	

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): گلیجانی مقدم، ح؛ شیخ محمودی، م؛ سیدی، ه. (۱۴۰۳). مطالعه تاریخی و عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه دولت‌ها، دانشنامه حقوق کسب و کار و اقتصاد، ۲(۱)، ۲۳۳-۲۵۰.

doi	10.22034/jble.2025.511210.1014	تحت حمایت: موسسه انتشاراتی ساماموس
ID	https://orcid.org/0009-0009-2385-6614	نوسنده مسئول: حامد گلیجانی مقدم
	این مقاله تحت شرایط https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa قابل بازنشر است.	ایمیل: Hgmoghadam@iau.ac.ir



مقدمه

در هر جامعه‌ای که بر پایه قوانین و مقررات اداره می‌شود، وجود یک نظام تحریمی برای تضمین رعایت این قوانین امری ضروری است. در نظم حقوقی بین‌المللی که با اصل حاکمیت مشخص می‌شود، دولت‌ها مدت‌هاست که نظام تحریم‌ها را به صورت یکجانبه و غیرمتمركز اجرا کرده‌اند. این نظام‌ها به عنوان ابزاری برای پیگیری و مجازات تخلفات احتمالی عمل می‌کنند و به این ترتیب، اجرای صحیح قوانین را تضمین می‌نمایند. در سطح بین‌المللی، مسئله تحریم‌ها پیچیدگی بیشتری دارد، چرا که با موضوع حاکمیت ملی و استقلال کشورها درهم‌تنیده است. در قرن بیستم، حقوق بین‌الملل با تأسیس جامعه ملل و بعداً سازمان ملل متحد (UN) به بلوغ رسید. ایجاد یک سیستم متمركز که دولت‌ها را ملزم به رعایت تعهدات بین‌المللی در چارچوب اقدام جمعی کند، ضروری به نظر می‌رسد. با ایجاد سازمان ملل متحد، یک سازمان بین‌المللی این قدرت را به دست آورد که تحریم‌های بین‌المللی را علیه کشورهایی که از قوانین بین‌المللی تبعیت نمی‌کنند، اعمال کند. سازمان ملل متحد به عنوان یک نهاد بین‌المللی با هدف حفظ صلح و امنیت جهانی تأسیس شد. کشورها نقش اتخاذ تحریم‌ها را به سازمان ملل واگذار کردند. سازمان‌های منطقه‌ای نیز برای اعمال تحریم‌ها، حداقل در ابتدا، به سازمان ملل متکی هستند. این سازمان‌ها می‌توانند مداخله کنند، اما فقط پس از مجوز شورای امنیت سازمان ملل ولی با این حال، اقدام سازمان ملل به حوزه‌های صلاحیت این سازمان در زمینه حفاظت از صلح محدود می‌باشد. سازمان ملل نمی‌تواند هرگونه نقض قوانین بین‌المللی را تحریم کند. با این وجود، این نوآوری نهادی نشان دهنده یک پیشرفت حقوقی بزرگ است. شورای امنیت توسط منشور سازمان ملل متحد به عنوان نهاد مرکزی مسئول اجرای تحریم‌ها تعیین شده است. مکانیسم تحریمی که توسط منشور سازمان ملل ایجاد شده است بر اساس فصل هفتم است که در مورد اقدام در رابطه با تهدیدات علیه صلح، نقض صلح و اقدامات تجاوزکارانه صحبت می‌کند. بر اساس فصل هفتم، تحریم‌ها پاسخی سیاسی به نقض صلح بین‌المللی است و نه پاسخی قانونی برای نقض قوانین بین‌المللی، حتی اگر نقض صلح توسط یک دولت نشان دهنده نقض ماده ۲ منشور سازمان ملل باشد، تحریم‌ها را نمی‌توان در قضاوت در مورد مسئولیت دولت‌ها تحلیل کرد. تحریم‌های سازمان ملل متحد که تحت فصل هفتم تصویب شده‌اند، هدف خاصی دارند. آنها قصد دارند تصمیمات شورای امنیت را که برای حفظ یا بازگرداندن صلح اتخاذ می‌شود، از طریق واداشتن گیرنده به تبعیت از آنها، تقویت کنند. هدف تحریم‌ها اصلاح رفتار یک کشور عضو است که صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند و نه مجازات. مجازات دقیق شورای امنیت مبنای حقوقی دیگری برای اعمال تحریم‌ها دارد که عبارت است از فصل چهاردهم، بند ۲ ماده ۹۴ منشور سازمان ملل و بر اساس این ماده، دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) می‌تواند به شورای امنیت اجازه دهد تا اقداماتی را برای تضمین اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری انجام دهد. تحریم‌هایی که شورای امنیت ممکن است در این رابطه اعمال کند، ماهیت کیفری تلقی می‌شوند، زیرا امتناع از اجرای حکم به منزله یک جرم کیفری است، مثل تصمیمی که علیه ایران در ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲ گرفته شد، ICJ سپس حکم داد که صلاحیت رسیدگی در این پرونده را ندارد. ارجاع به بند ۲ ماده ۹۴ منشور ملل متحد در عمل بین‌المللی بسیار حاشیه‌ای باقی مانده است. سازمان ملل همچنین می‌تواند تحریم‌های اداری را برای عدم رعایت تعهدات مندرج در منشور اتخاذ کند. اینها ممکن است بر اساس ماده ۶ منشور به شکل اخراج از سازمان ملل متحد باشد.



سازمان ملل ترجیح می‌دهد گفت و گو با کشوری را که حتی به طور جدی مفاد منشور را نقض کند، ادامه دهد ولی تحریم‌های جایگزین که کمتر رادیکال هستند ترجیح داده می‌شوند. بنابراین، سازمان ملل می‌تواند اعمال حقوق و امتیازات عضویت را بر اساس ماده ۵ تعلیق کند، طبق ماده ۱۹، سازمان ملل همچنین می‌تواند تعلیق حق رای در مجمع عمومی را در صورتی که کشوری بابت کمک‌های خود به سازمان معوقه داشته باشد، اعمال کند. این فصل بر روی اقدامات انجام شده تحت فصل هفتم تمرکز خواهد کرد که به شورای امنیت اجازه می‌دهد تحریم‌های مادی را اعمال کند. فصل هفتم عنصر اصلی رژیم تحریمی است که توسط سازمان ملل متحد اجرا می‌شود. در این مقاله به تاریخچه تحریم‌های اقتصادی و نقش شورای امنیت در تحریم‌های اقتصادی و سایر تحریم‌ها پرداخته شده است. مکانیسم تحریم‌ها بر اساس فصل هفتم به دلیل جنگ سرد، قبل از اینکه در دهه ۱۹۹۰ دوباره فعال شود، برای مدت طولانی خاموش مانده بود. شورای امنیت که از محاصره شرق و غرب رها شده بود، تحریم‌های اقتصادی و نظامی متعددی را اجرا کرد. با این حال، این عمل اغلب فراتر از متن منشور بوده است، در حالی که اثرات آن بر جمعیت غیرنظامی گاهی اوقات غیرمنصفانه بوده است. در مواجهه با انتقادات، سازمان ملل تلاش کرده است تا سیاست تحریمی خود را منطقی کند. بنابراین سازمان ملل به دنبال تنظیم بهتر مکانیسم فعال‌سازی تحریم‌ها (بخش اول) و همچنین تضمین اجرای موثر تحریم‌ها (بخش دوم) بوده است.

۱_ مفهوم و تاریخچه تحریم اقتصادی

۱_۱_ مفهوم تحریم اقتصادی

تحریم اقتصادی را می‌توان تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک کشور یا چند کشور به منظور ایجاد تغییر در سیاست‌های کشور مورد هدف تحریم و یا دست کم بازگو کننده نظریات کشور تحریم کننده در مقابل تحریم شونده تعریف نمود. (Barry, 1988) به عبارتی دیگر تحریم اقتصادی از اقدامی سلبی در قطع روابط اقتصادی کشورها با یکدیگر برمی‌خیزد. در واقع امروزه از تحریم اقتصادی به عنوان ابزاری در جهت نیل به اهداف سیاست خارجی از سوی کشورهای دیگر می‌توان یاد نمود. هدف کشور تحریم کننده تحریف روابط اقتصادی کشور تحریم شونده از طریق کاهش سطح تجارت بین‌المللی آن کشور می‌باشد. (خواجی، ۱۳۹۱) در مجموع در تعریفی جامع‌تر تحریم روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها جهت تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول است. با این وجود چهره تحریم بیشتر در روابط اقتصاد بین الملل آشکار می‌گردد؛ آنجا که کالاها و خدمات یک دولت خاص بایکوت می‌شود. (ایوانر، نونام، ۱۳۸۱) در حال حاضر کشورهایی که در عرصه بین‌الملل از ثبات هژمونیک برخوردار می‌باشند و عمدتاً کشورهای غربی را شامل می‌شوند از تحریم‌های اقتصادی در جهت نیل آمدن به اغراض سیاسی خویش سود می‌جویند. کشورها با مدد از قدرت اقتصادی و کنترلی که در عرصه اقتصاد بین الملل دارند با تهدید به تضعیف یا در معرض تضعیف قرار دادن اقتصاد کشور مورد هدف تحریم سعی بر تسلط سیاسی بر دیگر کشورها می‌باشند. از همین روست که به تعبیر برخی تحلیل گران غربی دولت‌های غربی از تحریم‌های اقتصادی به مثابه ابزاری که دندان دیپلماسی را در مواجهه با کشور دشمن تیز می‌کند، یاد می‌کنند.



(Hufbauer, Schott, 1990) یکی از اهداف تحریم‌های اقتصادی تغییر رفتار کشور مورد تحریم به دلایل مربوط به روابط خارجی می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی معمولاً به عنوان ابزاری در تعقیب سیاست خارجی بکار می‌روند. اینگونه استدلال می‌گردد که هدف جنگ اقتصادی این است که تا حد امکان به اقتصاد دشمن خسارت وارد نماید. از اهداف دیگر تحریم‌های اقتصادی می‌توان به هدف بی‌ثباتی کشور از طریق فشارهای اقتصادی اشاره کرد. اما بررسی سوابق تحریم‌ها مبین این نکته است که در اکثر موارد، تحریم‌های اقتصادی تاثیر اقتصادی قابل ملاحظه‌ای بر جا گذاشتند اما موفقیت سیاسی آنها چندان قابل توجه نبوده است. به عنوان مثال دولت کلینتون ۳۵ کشور را مورد تحریم یک جانبه قرار داد که ۴۲ درصد جمعیت جهان را شامل می‌شدند و مصرف کننده ۱۹ درصد از صادرات جهان بودند. با این حال آمریکا خود از تحریم‌های اعمال شده زیان‌های بسیاری دیده است. بر پایه برآورد بنیاد هریتیج، تحریم اقتصادی ۲۶ کشور جهان، صادرات آمریکا را ۱۹ میلیارد دلار کاهش داد، ۲۰۰ هزار شغل را در بخش صادرات از میان برده است و کارگران در بخش صادرات از باب دستمزد یک میلیارد دلار زیان دیده‌اند. (آرایی، قاسمی، ۱۳۹۶)

۱-۲_ تاریخچه تحریم اقتصادی

۱-۲_۱_ قبل از قرن بیستم

اولین تحریم اقتصادی بین‌المللی ثبت شده به ۴۳۲ سال قبل از میلاد برمی‌گردد، زمانی که پریکلس، حاکم آتن، فرمانی مبنی بر ممنوعیت واردات و فروش در بازارهای آتن محصولات منشأ گرفته از مگارا را به عنوان انتقام‌جویی پس از ربودن سه زن اتخاذ کرد. در واقع، نگاهی به قدیمی‌ترین تاریخچه تحریم‌ها نشان می‌دهد که تحریم اقتصادی یک شیوه کلاسیک جنگی بوده است. همچنین می‌توان به این نکته اشاره کرد که در دهه ۱۷۶۰ مستعمرات آمریکا تحریم‌های اقتصادی را به شکل تحریم، علیه بازرگانان انگلیسی برای اجبار وضع کردند. (Rathbone et al, 2013) در آغاز قرن بیستم، اعمال تحریم‌های اقتصادی به شکل فراخوان خصوصی برای بایکوت در آمد. این مورد با تحریم‌های چینی بود که بین سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۳۱ آغاز شد. اولین مورد توسط اتاق بازرگانی شانگهای در پاسخ به سیاست ضد چینی ایالات متحده آغاز شد. اولین آن‌ها در سال ۱۹۰۸ به آب انداخته شد و نه ماه به طول انجامید، پس از ماجرای تاتسو-مارو در مورد توقیف غیرقانونی یک کشتی بخار ژاپنی توسط یک قایق چینی توسط چین و واکنش شدید ژاپن، موجب ایجاد واکنشی از طرف مردم چین در قالب تحریم علیه کالاهای ژاپنی شد. دومی، از اوت تا اکتبر ۱۹۰۹، پیامد اختلاف راه آهن بود. طبق معاهده پکن در سال ۱۹۰۵، دولت ژاپن مشغول کار ساخت و ساز در خط راه آهن بین آنتونگ و موکدن بود. سرانجام، نایب السلطنه منچوری پس از اذعان به اینکه ژاپن فقط از حقوق معاهده خود استفاده می‌کند، دستور ممنوعیت تحریم علیه ژاپن را صادر کرد. سومین مورد از ماه مه تا اکتبر ۱۹۱۵ رخ داد و برای تحت فشار قرار دادن ژاپن برای مذاکره در مورد امتیاز طراحی شد. چهارمین دوره از مه تا دسامبر ۱۹۱۹، به عنوان واکنشی به شکست چین در کنفرانس صلح ورسای در سال ۱۹۱۹ برای لغو معاهده چین و ژاپن در سال ۱۹۱۵ رخ داد. پنجمین معاهده از آوریل تا اوت ۱۹۲۳ به عنوان واکنشی خشمگینانه به رد ژاپن توسط داهور و بازیابی درخواست چینی توسط پورتن اجرا شد. ششمین، هفتم، هشتم و نهم به ترتیب از ماه مه تا نوامبر ۱۹۲۵،



مارس تا آوریل ۱۹۲۷، مه ۱۹۲۸ تا آوریل ۱۹۲۹، و ۱۹۳۱-۱۹۳۲ رخ دادند. آن‌ها نتیجه جنبش‌های ملی گرایانه و ضد ژاپنی بودند (Thouvenin, 2019).

۱_۲_۲_ از جنگ جهانی اول تا منشور سازمان ملل

جای تعجب نیست که این سلاح اقتصادی در طول جنگ‌های جهانی نیز مورد استفاده قرار گرفته است، اما این عمل در چارچوب جنگ جهانی اول چرخش مفصلی پیدا کرد. در فرانسه، فرمانی در ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۴، هرگونه تجارت با اتباع کشورهای دشمن را ممنوع کرد و هر قراردادی را که از زمان شروع جنگ با یک موضوع دشمن منعقد شده بود، باطل کرد. بعداً فرانسه در واکنش به تصمیمات آلمان و اتریش مبنی بر لغو کلیه قراردادهای منعقد شده با خارجیان کشورهای دشمن، از جمله قراردادهای قبل از جنگ، و مسدود کردن یا مصادره کلیه کالاهای آنها، این تحریم‌ها را تقویت کرد. بریتانیا قانون تجارت با دشمن را در ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۴ به تصویب رساند که هرگونه رابطه تجاری با افرادی که اتباع یک کشور دشمن محسوب می‌شوند را ممنوع می‌کرد. این قانون همچنین مقرر می‌داشت که اموال متعلق به چنین اشخاصی باید توقیف و تحت نظارت دولت قرار گیرد. اجرای این قانون بدون مشکل نبوده است. برای مثال، سؤالی مطرح شد، آیا شرکتی که سهام آن متعلق به یک فردی که مقیم آلمان است، و مدیرانش همگی ساکن آلمان می‌باشند، باید به عنوان یک «دشمن» در نظر گرفته شود و هر نهاد انگلیسی را از پرداخت هرگونه پرداختی به آن منع کرد با وجود اینکه خود این شرکت، یک شرکت انگلیسی است، زیرا طبق قوانین بریتانیا به ثبت رسیده است. این سوال به مجلس ارجاع شد و تصمیم گرفته شد که در چنین موردی باید شخصیت سهامدار و مدیران شرکت آلمانی با شرکت انگلیسی در نظر گرفته شود. دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده شرکت برق و نور کشتی بارسلون نیز این موضوع را تکرار کرد. (Van panhuys, 1959) اولین قانون تجارت ایالات متحده با دشمن به جنگی در سال ۱۹۱۷ باز می‌گردد. این قانون به رئیس‌جمهور ایالات متحده این اختیار را می‌داد که هرگونه تجارت با دشمنان ایالات متحده را در زمان جنگ محدود کند و تحریم‌های دیگری را علیه این افراد اعمال کند. (Anderson, 1918) پس از جنگ جهانی اول، برخی از رهبران برجسته شروع به این فکر کردند که تحریم اقتصادی که معمولاً با سایر ابزارهای جنگ مرتبط است در واقع می‌تواند به سادگی جایگزین همه آن‌ها و جایگزینی مناسب‌تر برای استفاده از نیروی مادی باشد. وودرو ویلسون، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در واقع استفاده از تحریم‌های اقتصادی را به جای دیگر سلاح‌های جنگی تحسین کرد. ویلسون در سخنرانی اختصاص داده شده به متقاعد کردن مردم آمریکا در مورد نیاز به پیوستن به جامعه ملل - که از زمانی که ایالات متحده هرگز به عضویت آن در نیامد شکست خورد - خاطرنشان کرد: (ملتی که تحریم می‌شود، ملتی است که در چشم تسلیم است. این درمان اقتصادی، مسالمت آمیز، خاموش، مرگبار را اعمال کنید و دیگر نیازی به زور نخواهد بود. این به قیمت یک زندگی خارج از تحریم ملت نیست، اما فشاری را بر ملت وارد می‌کند که به نظر من هیچ ملت مدرنی نمی‌تواند در برابر آن مقاومت کند.) این تکنیک اجباری پس از آن توسط بند ۱۶ ماده ۱۶ به عنوان مرتبط با روابط بین‌الملل از نظر قانونی مدون شد. از میثاق جامعه ملل، که به موجب آن: اگر هر یک از اعضای اتحادیه با نادیده گرفتن



میثاق‌های خود طبق مواد ۱۲، ۱۳ یا ۱۵ به جنگ متوسل شوند، خود به خود مرتکب یک اقدام جنگی علیه سایر اعضای اتحادیه که بدین وسیله متعهد شده اند، می‌شوند. و فوراً آن کشور را مشمول قطع کلیه روابط تجاری یا مالی، ممنوعیت هر گونه مراوده بین اتباع خود و اتباع کشور پیمان شکن، و جلوگیری از هر گونه مراودات مالی، تجاری یا شخصی بین اتباع کشورهای عضو اتحادیه و یا تبعه هر کشور عضو عهد شکن و اتباع کشورهای عضو اتحادیه دیگر می‌دانند. این ماده بدون اعمال باقی ماند، زیرا از آنجایی که ایالات متحده به اتحادیه نپیوسته بود، اجرای آن نمی‌توانست اثر تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. برای مثال، تحریم‌های اقتصادی پیش‌بینی شده توسط میثاق جامعه ملل به سادگی توسط اعضای آن علیه ژاپن پس از تهاجم به منچوری در سال ۱۹۳۱ اتخاذ نشد، در مقابل، این تحریم‌ها علیه ایتالیا در نتیجه تهاجم نیروهای موسولینی به اتیوپی در سال ۱۹۳۵ به تصویب رسید، اما ثابت شد که ناکارآمد هستند. همانطور که می‌دانیم، هیچ چیز مانع جنگ جهانی دوم نشد که در طی آن تحریم‌های اقتصادی دوباره بین دشمنان اعمال شود. از پایان جنگ جهانی دوم، تحریم‌های اقتصادی به ابزار رایج سیاست بین‌المللی تبدیل شد. (Thouvenin, 2019)

۱_۲_۳ از زمان تدوین منشور سازمان ملل

الف_ رویه سازمان ملل

منشور ملل متحد به شورای امنیت این امکان را می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی را به منظور اعمال تصمیمات اتخاذ شده در اجرای فصل هفتم، یعنی در صورت تهدید صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه، اتخاذ کند. در ماده ۴۱ منشور آمده است: شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که چه تدابیری که مستلزم استفاده از نیروی مسلح نیست، برای عملی ساختن تصمیمات خود به کار گیرد و می‌تواند از اعضای سازمان ملل متحد بخواهد که چنین اقداماتی را اعمال کنند. این موارد ممکن است شامل قطع کامل یا جزئی روابط اقتصادی و راه‌آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط دیپلماتیک باشد. این ماده قبل از سال ۱۹۹۰ به ندرت مورد استفاده قرار گرفته است، به غیر از موارد رودزای جنوبی و آفریقای جنوبی. در مقابل، شورای امنیت از سال ۱۹۹۰ در زمینه تحریم‌های اقتصادی بسیار فعال است، به طوری که دهه ۱۹۹۰ به عنوان دهه تحریم‌ها نامگذاری شده است. (Cortright, Lopez, 2000) در دهه‌های گذشته، شورای امنیت تحریم‌هایی را علیه عراق (تهاجم به کویت)، یوگسلاوی (نقض جدی حقوق بشردوستانه)، سومالی (مسائل بین‌المللی) و منازعات بشردوستانه (مسائل داخلی لیبی)، آنگولا (تحریم به ویژه یونیتا مخالف دولت آنگولا)، هائیتی (کودتا)، رواندا (نسل‌کشی)، سیرالئون (کودتا)، افغانستان (رژیم طالبان)، جمهوری دموکراتیک کنگو (درگیری داخلی)، لیبیا (درگیری داخلی)، سودان (درگیری داخلی)، لبنان (ترور سیاسی)، کره شمالی (تکثیر سلاح‌های هسته‌ای)، اریتره (تهدید کننده امنیت بین‌المللی و حمایت از تروریسم)، و ایران (تکثیر سلاح‌های هسته‌ای). تغییر دیگری در عملکرد سازمان ملل قابل ذکر است، زمانی که سازمان ملل شروع به توسل منظم برای تحریم‌های اقتصادی کرد، بر این فرض بود که این تحریم‌ها باید کشور مورد هدف را ناتوان کند، مطابق با دکترین ویلسون که قبلاً یادآوری شد. اما تحریم اعمال شده بر عراق توسط



قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) بسیار بحث برانگیز بود زیرا این رژیم صدام حسین نبود، بلکه عراقی‌ها بودند که به شدت آسیب دیدند. در اواسط دهه ۱۹۹۰، خسارات غیرقابل قبولی که این نوع تحریم‌های سازمان ملل به مردم بی‌گناه وارد کرد، در مجامع متعددی مورد تقبیح قرار گرفت. (Gordon, 2011) زمانی که تحریم‌های اقتصادی قوی و همه‌جانبه علیه رژیم‌های خودکامه اعمال می‌شود، با مشکل دیگری مواجه می‌شود. معمولاً این مردم هستند که آسیب می‌بینند، نه نخبگان سیاسی که رفتارشان باعث آغاز تحریم‌ها در وهله اول شد. در واقع، صاحبان قدرت، به طور انحرافی، غالباً با توانایی خود در کنترل و سود بردن از فعالیت بازار سیاه و بهره برداری از آن‌ها به عنوان بهانه ای برای حذف منابع داخلی مخالفان سیاسی، از چنین تحریم‌هایی سود می‌برند. سازمان ملل باید رویکرد خود را تغییر می‌داد تا مردم بی‌گناه در امان باشند و منصفانه تر بود کسانی را که مسئول اعمال تحریم‌ها بودند، هدف قرار می‌داد. این ایده در هسته «جنبش تحریم هوشمند» قرار دارد. از آن زمان، تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل بر اهداف خاص تمرکز دارند و هدفشان ایجاد یک اثر محدود، اما مورد انتظار، با «خسارات جانبی» محدود یا بدون آن است. در واقع، در بسیاری از موارد تنها تحریم تسلیحاتی به منظور کاهش سطح خشونت در کشور مربوطه اتخاذ می‌شود. یک ممنوعیت اقتصادی نیز ممکن است محدود به برخی محصولات مانند الماس، چوب، یا نفت باشد. همچنین تصمیم‌گیری درباره تحریم‌هایی که تنها بر اعضای یک دولت و حامیان آن‌ها یا افرادی که قرار است تروریست یا حامیان آن‌ها باشند، اعمال کند، رویه شورای امنیت شده است. با این حال، "تحریم‌های هوشمند" سازمان ملل در معرض منتقدان قرار دارد. اغلب ادعا می‌شود که آن‌ها به سادگی کار نمی‌کنند، اما مهم‌ترین انتقاد این است که حقوق اولیه انسانی افراد مورد تایید شورای امنیت سازمان ملل در بهترین حالت بی‌احترامی می‌شود. با اصرار اتحادیه اروپا پس از قضاوت‌های متعدد، شورای امنیت تصمیم گرفت تا بازپرسی را معرفی کند که مسئول بررسی شکایات مطرح شده توسط افراد تحریم شده باشد. با این حال، این مورد مشکل را حل نمی‌کند، زیرا قانون حقوق بشر حق دسترسی به یک دادگاه مستقل را تحمیل می‌کند، که بازرس چنین نیست. (Estapa, 2017)

ب- تحریم‌های اقتصادی خارج از سازمان ملل

تحریم‌های اقتصادی در انحصار سازمان ملل نیست و بلکه به صورت فزاینده ای توسط دولت‌ها به صورت یکجانبه نیز اعمال شده است. کشورهای عربی اولین کشورهایی بودند که در پایان جنگ جهانی دوم به تحریم اقتصادی به عنوان سیاست اولیه بین‌المللی متوسل شدند. آن‌ها در سال ۱۹۴۵ تحریم کالاهایی را که توسط جامعه یهودی فلسطین تولید می‌شد، اعلام کردند و سپس با اعلام دولت اسرائیل تحریم را به محصولات اسرائیلی تعمیم دادند. (Turck, 1977) تحریم مدت‌ها به قوت خود باقی مانده بود تا اینکه از اواخر دهه ۱۹۸۰ به تدریج محو شد. در سال ۱۹۵۱، دولت انگلیس در واکنش به ملی‌سازی شرکت نفت انگلیس و ایران توسط مصدق، نخست‌وزیر ایران، به تحریم اقتصادی متوسل شد و تحریم کامل محصولات ایرانی به عنوان یک اقدام تلافی جویانه همراه با اقداماتی برای مسدود کردن دارایی‌های ایران واقع در بریتانیا اعمال شد. قطعاً باید به ایالات متحده اشاره کرد که به درستی از زمان پایان جنگ جهانی دوم در زمینه تحریم‌های اقتصادی فعال بوده است. به عنوان مثال، دولت ایالات متحده از تحریم



اقتصادی علیه چین به ویژه ممنوعیت صادرات فناوری‌های حساس، در دوران جنگ سرد استفاده کرد. کوبا، تحت تحریم‌های ایالات متحده از سال ۱۹۶۲، نیز نمونه‌ای نمادین از سیاست ایالات متحده است که در رابطه با رژیم نیکاراگوئه در زمان اسد نیز نشان داده شده است. گزارشی از دومی را می‌توان در حکم دادگاه بین‌المللی دادگستری سال ۱۹۸۶ در مورد فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی علیه نیکاراگوئه یافت که در آن تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه نیکاراگوئه به تفصیل و از نظر قانونی ارزیابی شده است. اتحادیه اروپا نیز سال‌ها است که تحریم‌های اقتصادی را به‌عنوان یک ابزار سیاست بین‌المللی، نه تنها بر اساس تصمیمات شورای امنیت که در قوانین داخلی اتحادیه هم بی‌اشکال نیست، بلکه به‌طور مستقل از سازمان ملل متحد نیز به اثبات می‌رساند، اعمال می‌کند. یکی از اولین موارد برای تحریم اقتصادی یک جانبه به موردی برمی‌گردد که در سال ۱۹۸۲ علیه آرژانتین در چارچوب جنگ فالکلند اتخاذ شد. این تحریم‌ها که در آن زمان توسط جامعه اقتصادی اروپا بر اساس ماده ۱۱۳ معاهده EEC اتخاذ شد، که به وضوح آمریکا اختیارات لازم را برای انجام اقدامات مربوط به سازمان را نداشت. اما این تحریم‌ها به محض پایان جنگ فالکلند به سرعت لغو شدند. امروزه اتحادیه اروپا به وضوح دارای قدرت اتخاذ تصمیماتی است که بر اساس فصل ۲ از عنوان پنجم معاهده اتحادیه اروپا، قطع یا کاهش روابط اقتصادی با کشورهای ثالث را فراهم می‌کند. این تصمیمات باید توسط اعضای اتحادیه اروپا به اتفاق آرا تصویب شود. اجرای عملی این اقدامات در قالب مقررات و مقررات اجرایی اتخاذ شده بر اساس ماده ۲۱۵ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا صورت می‌گیرد. امروزه اتحادیه اروپا رژیم‌های تحریم اقتصادی متعددی را علیه بسیاری از کشورهای از جمله روسیه از زمان الحاق کریمه اعمال می‌کند. سازمان کشورهای آمریکایی نیز تحریم‌های اقتصادی را تصویب می‌کند. این مورد در سال ۱۹۶۰ علیه جمهوری دومینیکن و در سال‌های ۱۹۶۲ و ۱۹۶۴ علیه کوبا بود. (Thouvenin, 2019)

۲_ گونه‌شناسی تحریم‌های سازمان ملل متحد

۲_۱_ مفهوم تحریم

از زمان پایان جنگ سرد، تحریم‌ها به عنوان ابزاری محبوب برای دولت‌ها به ویژه ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است تا رژیم‌های خودکامه را برای دموکراسی‌سازی و احترام به حقوق بشر تحت فشار قرار دهند. (Walldorf 2014) اصطلاح «تحریم‌ها» در حقوق بین‌الملل عموماً به اقدامات قهری اطلاق می‌شود که توسط یک دولت یا به‌طور هماهنگ توسط چندین کشور اتخاذ می‌شود و هدف آن متقاعد کردن یا وادار کردن دولت دیگر از انجام اقدامات ناقض قوانین بین‌المللی است. (Joyner 1995) در واقع، در روابط بین‌الملل، مفهوم «تحریم» به نوع خاصی از اقدامات اطلاق می‌شود، اما می‌تواند در خدمت اهداف مختلفی باشد، یعنی: اجبار یا تغییر رفتار، محدود کردن دسترسی به منابع مورد نیاز برای شرکت در فعالیت‌های خاص؛ یا علامت دادن. (van den Herik 2017) تحریم‌ها مربوط به تعریف و تعیین مسئولیت بین‌المللی برای آن دسته از اقداماتی است که احتمالاً صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد، برای ایجاد جو متشنج که استفاده از زور را تعیین می‌کند یا ایجاد درگیری‌ها و رویارویی‌های نظامی می‌کند. (Florea and Chirtoaca 2013) اما تحریم در لغت به معنای ناروا داشتن، ناروا کردن و حرام کردن

است. (معین، ۱۳۸۴) تحریم در لغت فارسی و عربی به معنای حرام کردن، بازداشتن و منع شدن است. (دهخدا، ۱۳۴۱) لغت سنکسیون در زبان فرانسه عبارت است از آلام و مجازات هایی که عادلانه وضع می شود. (مومنی، ۱۳۹۲)

۲_۲_۲ انواع تحریم های سازمان ملل متحد

تحریم های سازمان ملل طیف وسیعی از اقدامات از تحریم های اقتصادی تا قطع روابط دیپلماتیک به شهر مندرج در ماده ۴۱ منشور را شامل می گردند. دسته بندی خلاصه انواع تحریم ها در ذیل آمده است:

۲_۲_۲_۱ تحریم های اقتصادی

تحریم های اقتصادی شایع ترین نوع تحریم ها هستند. دو نوع اصلی از تحریم های اقتصادی وجود دارد.

الف) تحریم های تجاری:

تحریم های تجاری واردات به کشور تحت تحریم و صادرات از آن کشور را محدود می کند. این محدودیت ممکن است جامع باشد مانند تحریم عراق یا می تواند گزینشی باشد که فقط برخی از کالاهای خاص را محدود می کند. تحریم های جامع در آگوست و سپتامبر ۱۹۹۰ علیه عراق برای اجبار آن کشور به عقب نشینی از کویت اعمال شدند. همچنین در آوریل ۱۹۹۲ بار دیگر تحریم جامع علیه آن کشور برای اجرای قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت متعاقب عملیات طوفان صحرا اعمال گردید. تحریم های همه جانبه همچنین علیه یوگسلاوی (۱۹۹۶_۱۹۹۱) و صبرستان و مونته نگرو (۱۹۹۶_۱۹۹۲) و هائیتی (۱۹۹۳) اعمال شدند.

ب) تحریم های مالی:

تحریم های مالی رابطه نزدیکی با تحریم های اقتصادی دارند؛ ولی تمرکز آن ها بر ممنوعیت جریان پول و منابع مالی به درون یا از کشور تحریم شده قرار دارد. تحریم های مالی همچنان در فرایند اینترلاکن مورد بررسی قرار گرفت می تواند شامل مسدود کردن دارایی های دولت، محدود کردن دسترسی به بازارهای مالی و محدودیت وام و اعتبار، محدود کردن تبادل مالی بین المللی و محدودیت فروش و تجارت در خارج از کشور باشد. تحریم های مالی بخشی از تمامی تحریم های سازمان ملل علیه کشورهای هدف می باشند.

۲_۲_۲_۲ تحریم های غیراقتصادی

الف) تحریم های مسافرتی:

تحریم های مسافرتی می تواند شامل تحریم ها علیه سفر برخی از افراد یا گروه ها باشد و هم می تواند شامل نوع خاصی از حمل و نقل گردد. تحریم های مسافرتی اقداماتی هستند که به دنبال ممنوعیت یا بازداشتن افراد مرتبط با هدف



تحریم مسافرت‌های بین‌المللی است. تحریم مسافرتی علیه افراد خاص اعمال شده است همچون، ممنوعیت سفر نظامیان سیرالئون در ۱۹۹۸ و همچنین علیه گروه‌های غیردولتی مانند رهبران وحدت ملی برای اتحاد آنگولا در ۱۹۹۷. شورای امنیت در تحریم رودزیا سفر علیه تمامی اتباع آن کشور را صادر نمود. ممنوعیت نوعی خاص از سفر هوایی شامل فرود یا پرواز هر نوع هواپیما توسط طالبان از طریق قطعنامه ۱۲۶۷ سال ۱۹۹۹ شورای امنیت علیه طالبان اعمال گردید.

ب) تحریم هوایی:

تحریم‌های هوایی شامل ممنوعیت پرواز به و از مبدا کشور هدف یا همچنین محدود کردن توانایی کشور تحت تحریم برای استفاده از پروازهای داخلی در درون منطقه نفوذ خود می‌باشد. این نوع تحریم علیه عراق، لیبی و هائیتی اعمال شده است.

ج) تحریم‌های نظامی:

تحریم‌های نظامی می‌تواند شامل تحریم تسلیحات، خاتمه کمک‌های نظامی یا آموزشی و همچنین تحریم علیه سلاح‌های کشتار جمعی باشد. تقریباً تمامی تحریم‌های سازمان ملل مشتمل بر ممنوعیت می‌باشند. شورای امنیت همچنین اقدامات ویژه ای علیه تسلیحات کشتار جمعی کشورهای هدف اتخاذ نموده است.

د) تحریم‌های دیپلماتیک:

تحریم‌های دیپلماتیک مستقیماً مقامات رسمی کشور تحت تحریم را هدف قرار می‌دهد. دیپلمات‌ها و رهبران سیاسی ممکن است روایت دریافت نکرده و از شرکت در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی منع شوند. گام‌های دیگر در انزوای دیپلماتیک شامل فراخوانی کادرهای دیپلماتیک و سازمان‌های بین‌المللی از کشور تحت تحریم است. شورای امنیت از تحریم‌های دیپلماتیک علیه لیبی، سودان، رودزیای جنوبی، یوگسلاوی سابق، یونیتا و افغانستان/ طالبان/ القاعده استفاده نموده است.

ه) رسیدگی کیفری بین‌المللی:

در سال ۱۹۹۳، شورای امنیت بر اساس ماده ۴۱ منشور، دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه افراد مسئول جرایم جنگی در یوگسلاوی تشکیل داد. متعاقباً در سال ۱۹۹۴، دادگاه دیگری برای محاکمه متهمان نسل‌کشی در رواندا تشکیل گردید. از آنجا که تشکیل این دادگاه‌ها در چهارچوب اصل ۴۱ منشور انجام شد لذا آن‌ها را نیز یکی از اشکال تحریم می‌توان قلمداد نمود گرچه در اصطلاح از عنوان تحریم برای آن‌ها استفاده نمی‌شود. (Mark, 1999)



۳_ نقش محوری شورای امنیت در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه دولت‌ها

فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، مسئولیت اصلی اجرای تحریم‌های بین‌المللی را به شورای امنیت می‌دهد. در نتیجه، قدرت تحریم‌ها توسط یک ارگان اجتماعی اجرا می‌شود. اقدام شورای امنیت جایگزین اقدامات فردی کشورهای عضو سازمان ملل خواهد شد. بنابراین، اراده اجتماعی خود را بر اراده فردی تحمیل خواهد کرد. در چارچوب ماده ۱۶ میثاق جامعه ملل، ارگان‌های سازمان تنها نقش ثانویه ای را در یافته‌های نقض میثاق داشتند و اگر یکی از اعضای اتحادیه خارج از مفروضات مندرج در میثاق به جنگ دامن می‌زد، سایر اعضا باید تحریم‌های تجاری یا مالی اعمال می‌کردند. در چنین مواردی، شورا موظف بود اقدامات مؤثر نظامی، دریایی یا نیروی هوایی را توصیه کند که از اعضای اتحادیه انتظار می‌رفت از طریق نیروهای مسلح که برای حفاظت از میثاق‌های اتحادیه استفاده می‌شود، به طور جداگانه در آن مشارکت داشته باشند. یکی دیگر از نقاط ضعف میثاق جامعه ملل این بود که نشان نمی‌داد چه کسی مسئولیت تشخیص نقض عهد را بر عهده دارد. در سکوت متن، تشخیص نقض میثاق بر عهده هر دولت باقی ماند. نقش واقعی شورای امنیت نتیجه مسئولیت اولیه ای است که منشور سازمان ملل در زمینه صلح و امنیت بین‌المللی به این نهاد محول می‌کند. بنابراین، همانطور که در ماده ۲۴ منشور ملل متحد آمده است: به منظور اطمینان از اقدام سریع و مؤثر سازمان ملل متحد، اعضای آن مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌کنند و موافقت می‌کنند که شورای امنیت در انجام وظایف خود تحت این مسئولیت از طرف آن‌ها عمل کند. قدرت تحریم شورای امنیت مبتنی بر قدرت تصمیم‌گیری است که در ماده ۲۵ منشور سازمان ملل به آن اعطا شده است. قدرت تحریم شورای امنیت انحصاری است و هیچ ارگان دیگری از منشور سازمان ملل چنین قدرتی ندارد، در حالی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد ممکن است قطعنامه‌هایی را در شرایط فصل هفتم اتخاذ کند، اقدام آن محدود به قدرت توصیه است. مجمع عمومی نمی‌تواند تحریم‌هایی را اعمال کند، بلکه ممکن است از شورای امنیت بخواهد که بر اساس فصل هفتم اقدام کند. با این حال، شورای امنیت در تصمیم‌گیری برای اقدام یا عدم تصمیم‌گیری برای تحریم آزاد است. اما فعال کردن فصل هفتم توسط شورای امنیت کاملاً اختیاری هم نیست، قدرت تحریم باید حداقل در محدوده اهداف و اصول منشور ملل متحد باقی بماند. برخی از اقدامات اتخاذ شده توسط برخی از کشورها و اتحادیه اروپا بر اساس تصمیمات شورای امنیت، موضوع تجدیدنظرخواهی بوده است. این پرونده‌ها عمدتاً مربوط به تحریم‌ها علیه کسانی بود که مظنون به مشارکت یا تأمین مالی اقدامات تروریسم بودند. بنابراین، هم دیوان دادگستری اروپا و هم دادگاه اروپایی حقوق بشر تأکید کرده‌اند که دولت‌ها و اتحادیه اروپا نمی‌توانند در اجرای تصمیمات شورای امنیت، احترام به حقوق اساسی را نادیده بگیرند. تحریم‌ها علیه عراق پس از تهاجم و اشغال کویت در سال ۱۹۹۰ از بسیاری جهات استثنایی باقی مانده است. دقیقاً زمانی است که شورای امنیت نمی‌تواند قدرت تحریم خود را اعمال کند، دولت‌ها تصمیم می‌گیرند به طور یکجانبه اقدام کنند. تحریم‌های اقتصادی اعمال شده توسط ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه روسیه در سال ۲۰۱۴ پس از الحاق غیرقانونی کریمه باعث اتخاذ اقدامات متقابل توسط روسیه شد. مورد تحریم‌های اعمال شده توسط شورای امنیت، آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران در پی از سرگیری برنامه هسته‌ای نظامی، محدودیت دیگری در اختیارات تحریمی شورای امنیت را نشان می‌دهد.



علیرغم لغو تحریم‌هایی که بر اساس توافقنامه امضا شده در سال ۲۰۱۵ تأیید شد و شورای امنیت سازمان ملل متحد آن را تأیید کرد، دولت ایالات متحده پس از انتخاب دونالد ترامپ تصمیم گرفت این معاهده را محکوم کند و تحریم‌های یکجانبه را در سال ۲۰۱۸ اعمال کند. (Achilleas, 2019) فصل هفتم منشور سازمان ملل، رویه ای را برای تصویب تحریم‌های بین‌المللی تعیین می‌کند. یک سوال اولیه در اینجا مطرح می‌شود. آیا شورای امنیت قبل از اجرای تحریم‌های پیش‌بینی‌شده در فصل هفتم، ابزارهای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را طبق فصل ششم تمام کرده است؟ به عبارت دیگر، آیا فعال شدن تحریم‌ها آخرین راه حل است؟ مجمع عمومی بر این ایده تأکید کرد: «زمانی که سایر گزینه‌های صلح‌آمیز منشور ناکافی هستند، تنها با احتیاط باید به تحریم‌ها متوسل شد». برای فعال کردن فصل هفتم، شورای امنیت باید مراحل تعیین شده در منشور را دنبال کند. بنابراین، هنگامی که شورای امنیت مطابق با ماده ۳۹ منشور، وجود تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه را تشخیص دهد، در مورد اقداماتی که طبق مواد ۴۱ و ۴۲ برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ می‌شود، تصمیم می‌گیرد. ماده ۳۹ مکانیسم تحریم را راه اندازی می‌کند. نقطه شروع بر اساس یافته‌های شورای امنیت در مورد تهدید صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه است. این سه وضعیت بر اساس تأثیراتشان بر صلح از کم جدی‌ترین تا جدی‌ترین به ترتیب طبقه‌بندی می‌شوند: تهدید صلح، نقض صلح، پرخاشگری. از تعریف دقیق ارائه شده در منشور ملل متحد، می‌توان محدوده هر یک از این سه وضعیت را بر اساس رویه قبلی شورای امنیت تعیین کرد. اولاً، مفهوم صلح به فقدان درگیری مسلحانه بین‌المللی محدود نمی‌شود. در مفهوم مدرن حقوق بین‌الملل، صلح مستلزم ایجاد شرایطی برای توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورها از جمله حمایت از حقوق بشر است. مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۳۳۱۴ که در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ تصویب کرد، اصطلاح «تجاوز» را تعریف کرد. مفهوم «نقض صلح» به وضعیت کمتر جدی‌تر مربوط به استفاده از زور، اما نه لزوماً نیروی مسلح اشاره دارد. این مفهوم گسترده تری است که هم به یک عمل و هم به یک موقعیت اعمال می‌شود. حتی زمانی که نقض صلح ناشی از یک اقدام تجاوزکارانه باشد، شورای امنیت ممکن است از آن به عنوان «نقض صلح» یاد کند. این عبارت خنثی‌تر اغلب به دلایل دیپلماتیک انتخاب می‌شود و به شورای امنیت اجازه می‌دهد تا از تعیین نهاد مسئول تجاوز به عنوان بازیگر برتر علیه صلح اجتناب کند. تهدید صلح مفهوم گسترده تری از خطر فعلی (نه بالقوه) برای صلح است، خواه نظامی باشد یا نباشد. رویه شورای امنیت کاربرد مفهوم تهدید صلح را در بسیاری از موقعیت‌ها نشان می‌دهد. در نتیجه، عملکرد شورای امنیت گسترش دامنه شرایطی را که ممکن است منجر به تحریم‌ها تحت فصل هفتم شود، تسهیل کرده است: حق مردم برای تعیین سرنوشت، درگیری مسلحانه داخلی، تکثیر تسلیحات، نقض حقوق بشر، تضعیف مشروعیت دموکراتیک، و تروریسم. پذیرش قطعنامه‌های ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) و ۸۸۷ (۲۰۰۹) مبنایی مستقل برای اعمال تحریم‌ها برای عدم اشاعه است. این متون که تحت فصل هفتم به تصویب رسید، به شورای امنیت اجازه می‌دهد تا کشورهای را که در گسترش سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی مشارکت دارند، تحریم کند. وسیله تحویل آنها اتخاذ یک چارچوب نظارتی خاص با اقدامات تحریمی، قدرت نسبتاً گسترده شورای امنیت را در مورد تحریم‌ها نشان می‌دهد. یافتن تهدیدی برای صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه راه را برای اقدام هموار می‌کند. اول، شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که یا با ارائه یک توصیه یا تصمیم‌گیری خود اقدام کند. ماهیت تعیین‌کننده قطعنامه‌های شورای امنیت عنصری ضروری



برای قدرت تحریم آن است. این ویژگی تعیین کننده بر اساس ماده ۲۵ منشور سازمان ملل متحد است. ثانیاً، هنگامی که شورای امنیت با تصمیم گیری در مورد یک اقدام عمل می‌کند، ممکن است اقدامات غیرنظامی بر اساس ماده ۴۱ یا اقداماتی که شامل استفاده از نیروی مسلح بر اساس ماده ۴۲ باشد انجام دهد. شورای امنیت همچنین می‌تواند اقدامات موقتی را مطابق با ماده ۴۰ منشور سازمان ملل انجام دهد. (Achilleas, 2019) اگر شورای امنیت در انتخاب اقداماتی که باید اتخاذ شود آزاد باشد، ماده ۴۱ تحریم را به عنوان ابزاری برای اقدام مجاز می‌داند. در اشغال کویت، شورای امنیت تمامی واردات و صادرات به یا از عراق و کویت را ممنوع کرد. این درخواست خطاب به همه کشورها از جمله کشورهای غیرعضو سازمان ملل بود. برخلاف تحریم کلی، تحریم انتخابی به شورای امنیت اجازه می‌دهد تا تحریم را متناسب با شرایط تنظیم کند. رویه سازمان ملل نیز به تحریم افراد تبدیل شده است. این موارد به شکل ممنوعیت سفر به خارج از کشور، مسدود کردن دارایی‌ها یا ممنوعیت تجارت با افراد مربوطه است. شورای امنیت ممکن است مستقیماً رئیس دولت یا دولتی را که مسئول تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه است یا نهادهایی که از آنها حمایت می‌کنند، هدف قرار دهد. در اجرای تحریم‌ها از تدابیر سبک‌تر تا اقدامات محدودکننده‌تر که ممکن است منجر به تحریم کامل شود، درجه‌بندی خاصی وجود دارد. مانند عراق، جمهوری فدرال یوگسلاوی (صربستان و مونته‌نگرو) نیز برای پایان دادن به جنگ در بوسنی و هرزگوین تحت یک تحریم جامع قرار گرفت. به تدریج به طیف بسیار گسترده‌ای از محصولات و خدمات گسترش یافت. در ابتدا محصولات به یا از یوگسلاوی، ترافیک هوایی، مبادلات مالی و روابط ورزشی را هدف قرار داد. سپس ترانزیت، که چندین محصول استراتژیک از طریق یوگسلاوی مورد هدف قرار گرفت. همچنین به ترانزیت همه کالاها و محصولات از طریق جمهوری فدرال یوگسلاوی و تقریباً به تمام خدمات نیز تعمیم داده شد. در نهایت، این تحریم موجب به مسدود کردن تمام وجوه متعلق به اتباع یوگسلاوی، صرف نظر از اینکه کجا بودند، شد. بنابراین با بازگشت به نمونه عراق، در پی مداخله نظامی ائتلاف بین‌المللی علیه عراق، تحریم‌ها کاهش یافت. در صورتی که شورای امنیت اقدامات انجام شده بر اساس ماده ۴۱ را ناکافی بداند یا تشخیص دهد که چنین اقداماتی اثرات مطلوبی را به همراه نداشته است، می‌تواند طبق ماده ۴۲ از نیروی مسلح استفاده کند. اقدام شورای امنیت ممکن است شامل تظاهرات، محاصره، و سایر عملیات توسط نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی اعضای سازمان ملل باشد. اگرچه شورای امنیت هرگز به ماده ۴۲ استناد نکرده است، اما اجازه استفاده از زور را داده است. اولین استفاده از زور تحت نظارت سازمان ملل متحد مربوط به جنگ کره در سال ۱۹۵۰ بود، زمانی که شورای امنیت به اتفاق آرا تهاجم کره شمالی به جمهوری کره را محکوم کرد. شورای امنیت سپس فرماندهی یک نیروی بین‌المللی را به ایالات متحده سپرد. تهاجم، اشغال و الحاق کویت توسط عراق نیز منجر به فعال شدن چشمگیر اقدامات اجرایی شورای امنیت شد. از آنجایی که عراق نسبت به تحریم‌های شورای امنیت واکنش نشان نداد، اخطار کتبی صادر کرد که اگر عراق تا ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱ کویت را تخلیه نکند، شورای امنیت اجازه استفاده از زور را صادر کرد. عملیات نظامی موسوم به "طوفان صحرا" که از ۱۷ ژانویه تا ۲۸ فوریه ۱۹۹۱ انجام شد، منجر به احیای حاکمیت کویت شد. در پایان خصومت‌ها، شورای امنیت شرایط بسیار سختگیرانه‌ای را برای صلح به عراق تحمیل کرد، به ویژه در مورد خلع سلاح هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیکی و بالستیک. سایر مداخلات نظامی در کوزوو در سال ۱۹۹۹ و عراق در سال ۲۰۰۳ با نقض منشور انجام گردید و شورای



امنیت اجازه این عملیات نظامی را نداد. از سوی دیگر، مداخله نظامی در افغانستان در سال ۲۰۰۱ مبتنی بر حق دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور تلقی می‌شود. سازمان ملل متحد در مواجهه با انتقاد از اینکه تحریم‌های جهانی را تحمیل می‌کند و خسارت‌های جانبی به جمعیت غیرنظامی و کشورهای ثالث وارد می‌کند، اعمال تحریم‌های هوشمند یا هدفمند را تشویق کرده است. هدف تحریم‌های هدفمند متمرکز کردن تأثیرات خود بر رهبران و رژیم‌های سیاسی مربوطه و همچنین بر تجارت محصولاتی است که احتمالاً از اقدامات آن‌ها حمایت می‌کند و در عین حال به دنبال محدود کردن تأثیرات آن بر جمعیت غیرنظامی است. فرآیند اینترلاکن، که در سال ۱۹۹۸-۱۹۹۹ در سوئیس آغاز شد و بحث توسط کارشناسان، سازمان‌های غیردولتی و کارمندان سازمان ملل در مورد موضوع تحریم‌های مالی را به دنبال داشت. فرآیند بن-برلین، سازمان‌دهی شده در آلمان در سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۰، بر تحریم‌های تسلیحاتی و ممنوعیت سفر متمرکز بود. تحریم‌های هدفمند به ویژه از طریق اقدامات تحریمی انتخابی اعمال می‌شود. سازمان ملل متحد از زمان اولین تحریم‌های اعمال شده بر رودزیای جنوبی در سال ۱۹۶۶، تحریم‌های انتخابی را انتخاب کرده است. تحریم انتخابی به شورای امنیت اجازه می‌دهد تا تحریم‌ها را متناسب با شرایط تنظیم کند. رویه سازمان ملل نمونه‌های زیادی از تحریم‌های هدفمند را نشان می‌دهد که مربوط به تحریم تسلیحات و مواد مرتبط است، تحریم‌های مالی (انسداد دارایی‌های خارجی، محدودیت‌های دسترسی به بازارهای مالی بین‌المللی، توقف هرگونه انتقال بین‌المللی پرداخت به یک دولت یا دولت دیگر یا یک نهاد مورد هدف)، و محدودیت سفر و پروازهای تجاری، و همچنین محدودیت‌های منابع طبیعی، مانند محدودیت‌های مبادلات نفتی و نفت کنده‌ها و محصولات چوب، محدودیت‌ها بر افراد مظنون به مشارکت یا حمایت مالی از تروریسم بین‌المللی، شکلی مؤثر از تحریم‌های هدفمند می‌باشند. (Achilleas, 2019)

۴_ نتیجه گیری

بنابراین می‌توان گفت که تحریم‌های اقتصادی، تدابیر قهرآمیز علیه یک یا چند کشور به منظور تغییر سیاست و کاهش روابط اقتصادی آن کشورها می‌باشند، که به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی کشورهای تحریم‌کننده، به ویژه کشورهای غربی، استفاده می‌شوند و هدف اصلی این تحریم‌ها معمولاً کاهش سطح تجارت بین‌المللی کشور هدف است و به‌طور کلی به منظور تنبیه یا تغییر رفتار آن کشور اعمال می‌شوند. اگرچه تحریم‌ها می‌توانند اثرات اقتصادی قابل توجهی داشته باشند، اما موفقیت سیاسی آنها اغلب محدود است. به عنوان مثال، تحریم‌های دولت کلینتون بر ۳۵ کشور تأثیر اقتصادی گذاشت، اما خود آمریکا نیز از این تحریم‌ها زیان‌های جدی دیده بود. تحریم‌های اقتصادی تاریخچه‌ای طولانی و جالب دارند. اولین نمونه ثبت‌شده به ۴۲۲ سال قبل از میلاد برمی‌گردد، زمانی که پریکلس در آتن واردات محصولات مگارا را ممنوع کرد. در قرن هجدهم، مستعمرات آمریکا تحریم‌هایی علیه بازرگانان انگلیسی وضع کردند. در آغاز قرن بیستم، تحریم‌ها به شکل بایکوت‌های خصوصی بروز کردند و با اولین موردی که بین ۱۹۰۵ تا ۱۹۳۱ در چین و در پاسخ به سیاست‌های ضد چینی ایالات متحده آغاز شد. در طول جنگ جهانی اول، تحریم اقتصادی به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفت. فرانسه در سپتامبر



۱۹۱۴ هرگونه تجارت با اتباع کشورهای دشمن را ممنوع کرد و قراردادهای منعقد شده را باطل کرد. بریتانیا نیز قانونی را تصویب کرد که این روابط تجاری را ممنوع می‌کرد و اموال متعلق به دشمنان را توقیف می‌نمود. پس از جنگ جهانی اول، برخی رهبران شروع به تأمل در این کردند که تحریم‌های اقتصادی می‌توانند جایگزین مناسبی برای استفاده از نیروی نظامی باشند. منشور ملل متحد به شورای امنیت اجازه می‌دهد تا در صورت تهدید صلح، تحریم‌های اقتصادی را اعمال کند. ماده ۴۱ بیان می‌کند که شورای امنیت می‌تواند اقداماتی غیرنظامی برای تحقق تصمیمات خود اتخاذ کند، نظیر قطع روابط اقتصادی و دیپلماتیک. قبل از ۱۹۹۰، استفاده از این ماده محدود بود، اما پس از آن، شورای امنیت به طور فعال‌تر به تحریم‌های اقتصادی پرداخت و دهه ۱۹۹۰ به عنوان "دهه تحریم‌ها" شناخته شد. تحریم‌ها علیه کشورهای مختلفی مانند عراق، یوگسلاوی، سومالی و ایران اعمال شد. هرچند هدف از این تحریم‌ها ناتوان کردن کشورهای مورد نظر است، اما تجربه نشان داده که مردم عادی بیشتر آسیب می‌بینند، نه نخبگان سیاسی. این موضوع در اواسط دهه ۱۹۹۰ به شدت مورد نقد قرار گرفت و بر ضرورت بررسی تأثیرات انسانی تحریم‌ها تأکید شد. «جنبش تحریم هوشمند» به دنبال کاهش خسارات جانبی و تمرکز بر اهداف خاص مطرح شد، که این تحریم‌ها معمولاً بر منابع خاصی مانند تسلیحات، الماس یا نفت متمرکز می‌شوند و هدفشان کاهش خشونت است. اما انتقادات زیادی به این تحریم‌ها وجود دارد. شورای امنیت پس از فشارهای اتحادیه اروپا، بازپرسی را برای بررسی شکایات افراد تحریم‌شده معرفی کرد، اما فایده چندانی نداشت. تحریم‌های اقتصادی نه تنها تحت نظارت سازمان ملل، بلکه به‌طور فزاینده‌ای توسط دولت‌ها به‌صورت یکجانبه نیز اعمال می‌شود. همانطور که گفته شد، کشورهای عربی پس از جنگ جهانی دوم، نخستین کشورهایی بودند که به تحریم اقتصادی روی آوردند و در سال ۱۹۴۵ علیه کالاهای تولید شده توسط یهودیان فلسطینی اقدام کردند. پس از اعلام دولت اسرائیل، این تحریم‌ها به محصولات اسرائیلی نیز گسترش یافت و تا اواخر دهه ۱۹۸۰ ادامه داشت. ایالات متحده نیز از زمان پایان جنگ جهانی دوم در تحریم‌ها فعال بوده و نمونه‌هایی از آن شامل تحریم‌های ضد چین در دوران جنگ سرد و تحریم‌های طولانی‌مدت علیه کوبا از ۱۹۶۲ است. همچنین، در سال ۱۹۸۶، دیوان دادگستری بین‌المللی به بررسی قانونی تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده علیه نیکاراگوئه پرداخت. امروزه، اتحادیه اروپا طبق ماده ۲۱۵ معاهده عملکرد این اتحادیه، می‌تواند تصمیماتی برای قطع یا کاهش روابط اقتصادی با کشورهای ثالث اتخاذ کند، که باید با توافق تمامی اعضا تصویب شود. تحریم‌های اقتصادی به دو نوع اصلی تقسیم می‌شوند: تحریم‌های تجاری که این تحریم‌ها به محدودیت واردات و صادرات کالاها می‌پردازند. ممکن است جامع یا گزینشی باشند، مانند تحریم‌های جامع علیه عراق در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۲ و دیگر کشورهای مانند یوگسلاوی، صربستان و هائیتی. و تحریم‌های مالی که این تحریم‌ها مانع از جریان پول و منابع مالی به کشور تحریم شده هستند؛ شامل مسدود کردن دارایی‌ها، محدودیت‌های مالی و وام، و محدودیت در تبادل مالی بین‌المللی می‌شوند و معمولاً بخشی از تحریم‌های سازمان ملل هستند. قدرت تصمیم‌گیری شورای امنیت بر مبنای ماده ۲۵ منشور سازمان ملل استوار است. تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل انحصاری و محدود به این نهاد است و هیچ ارگان دیگری نمی‌تواند تحریم‌هایی را اعمال کند و مجمع عمومی تنها می‌تواند توصیه کند و اختیار بیشتری ندارد. شورای امنیت در تصمیم‌گیری برای اعمال تحریم‌ها با محدودیت‌هایی مواجه است و برای فعال‌سازی فصل هفتم، شورای امنیت باید مراحل مشخص شده در منشور را دنبال کند. طبق

ماده ۳۹، ابتدا باید وجود تهدید یا نقض صلح را تشخیص دهد. این وضعیت‌ها به ترتیب شامل: تهدید صلح، نقض صلح و پرخاشگری هستند. مفهوم صلح در اینجا فراتر از عدم درگیری مسلحانه است و شامل شرایط متنوعی برای توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین حمایت از حقوق بشر می‌شود. قطعنامه‌های ۱۵۴۰ و ۸۸۷ به شورای امنیت اجازه می‌دهند تا کشورهایی را که به گسترش سلاح‌های کشتار جمعی کمک می‌کنند، تحریم کند، و بسته به شرایط، اقداماتی غیرنظامی (ماده ۴۱) یا نظامی (ماده ۴۲) انجام دهد. تحریم‌ها ممکن است کلی یا انتخابی باشند و همچنین، می‌توانند افراد را نیز مورد هدف قرار دهند، مانند ممنوعیت سفر و مسدود کردن دارایی‌ها و امثال آن.



فهرست منابع

منابع فارسی:

_ایوانر، گراهام و نونام، جفری. (۱۳۸۱). *فرهنگ روابط بینالملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طرازکوهی، تهران، نشر میزان.

_دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۱). *لغت نامه*، جلد چهاردهم، تهران، موسسه لغت نامه دهخدا.

_معین، محمد. (۱۳۸۴). *فرهنگ فارسی*، جلد اول، چاپ بیست و دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.

_مومنی، مهدی. (۱۳۹۲). *مجموعه مقالات همایش ابعاد حقوقی تحریم‌های بین‌المللی شورای امنیت*، تهران، انتشارات مجد.

_آرایی، وحید، قاسمی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). *تحریم اقتصادی از دیدگاه حقوق بین‌الملل و بررسی تحریم‌های اقتصادی ایران در زمینه هسته‌ای*، روزنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۳۰۷.

_خواجی، غلامرضا. (۱۳۹۱). *تحریم اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل با تاکید بر حقوق بین‌الملل اقتصادی و حق توسعه*، فصلنامه دانشنامه علوم اقتصادی، س ۱۹، ش ۲.

منابع انگلیسی:

_Achilleas, Philippe. (2019). *United Nations and sanctions*, pp30_33.

_Anderson. (1918). "*The Trading-with-the-Enemy Act*," American Journal of International Law, Vol. 12, No. 2 , pp. 363–369.

_Barry, Carter. (1988). *International Economic Sanctions: Improving the Haphazard us Legal Regime*, Cambridg University.

_Cortright, David, A. Lopez ,George. (2000). *The Sanctions Decade: Assessing UN Strate-gies in the 1990s*.

_EStapà, J. Saura. (2017). "*The UN Security Council Ombudsperson: An Original Institution Still Under Construction*," Revista Catalana de Dret Públic, No. 54 , pp. 185–195.

_Florea, Dumitrita, Chirtoaca, Natalia. (2013). *Sanctions in the International Public Law*. The USV Annals of Economics and Public Administration 13 (1): 264–272.

_Gordon. (2011). "*Smart Sanctions Revisited*," Ethics & International Affairs, Vol. 25, No. 3 , pp. 317–318.

_Herik, Larissa J. van den. (2017). *Research Handbook on UN Sanctions and International Law*. Cheltenham: Edgard Elgar Publishing.

_Hufbauer G. C. and J. J Schott. (1990). *Economic Sanctions, Reconsidered History and Current Policy, Justic for International Law*, Peterson Institute.

_Joyner, Christofer. (1995). *Collective Sanctions as Peaceful Coercion: Lessons from the United Nations Experience*. Australian Year Book of International Law 16 (1): 241–271.

_Mark, Stephen. (1999). *Economic Sanctions as Human Rights Violations: Reconciling Political and Public Health Imperatives*, American Journal of Public Health, Oct 1999, Vol.89. No.10.

_Rathbone, P. Jeydel, and A. Lentz. (2013). “*Sanctions, Sanctions Everywhere: Forging a Path Through Complex Transnational Sanctions Law*,” Georgetown Journal of International Law, Vol. 44, pp. 1055, 1063.

_Thouvenin, Jean-Marc. (2019). *History of implementation of sanctions*, pp84_89.

_Turck. (1977). “*The Arab Boycott of Israel*,” Foreign Affairs, Vol. 55), pp. 472–493 .

_van Panhuys, H.F. (1959). *The Role of Nationality in International Law* , pp. 109–125.

_Walldorf, William. (2014). *Sanctions, Regime Type, and Democratization: Lessons from U.S.–Central American Relations in the 1980s*. Political Science Quarterly 129 (4): 643–674 .